

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی
۲۴ نومبر ۲۰۱۷

پاداش جنایات "گلبدین"

آنهایی که به نوشته های این قلم آشنائی دارند شاید به خاطر داشته باشند، حینی که حدود سه سال قبل، به ارتباط قتل فجیع و مظلومانه "فرخنده" چند سطری نوشتم، یکی از سوالاتی که مطرح نموده بودم، مسأله گرایش افراد به خصوص نسل جوان به توحش و خشونت بود. همان زمان در کنار سایر جوابها، یکی هم از دید جامعه شناسانه برخورد نموده، نوشته بودم که با تأسف در افغانستان تقدیر فرهنگ خشونت، به یک ارزشی مبدل گردیده که هر فردی که خواسته باشد، زود و آسان مگر با مقداری پذیرش خطر به جاه و جایزادی برسد، به عوض آن که سالها پشت میز نشسته شاگردی نموده مکتب و فاکولته بخواند و به امید آن که شانس برایش یاری کند، شب و روز زحمت بکشد، از طریق شرکت فعال در یکی از باند های انسان کشی و غارتگری، می کوشد تا برای خود اسم و رسمی کمائی نموده، یکی خود را آدمخوار معرفی بدارد، دیگری سر بر، آن دیگری سوزاننده و یکی دیگر متجاوز جنسی و از طریق ایجاد خوف و وحشت بین از خود و بیگانه، پله های ترقی و رسیدن به مقامات قومندانی را به سرعت طی نموده، امکان آن را فراهم سازد تا در پول غلت بزند.

یکی از بزرگترین نمونه های چنین روندی، احترام و حرمتیست که امپریالیزم جنایتگستر امریکا و شرکاء و اداره مستعمراتی کابل، بعد از آنهمه جنایتی که انجام داد برای "گلبدین" قایل شده اند.

ما می دانیم که "گلبدین" از نخستین روز هائی که به اسلام سیاسی روی آورده یکی از شقی ترین و بی رحمتترین نمایندگان اسلام سیاسی به شمار رفته، نه تنها در آغاز با پاشیدن تیزاب بر روی دختران مکاتب و زنان بی حجاب شهر کابل قساوت و ددمنشی عقبگرایانه خود را به نمایش گذاشت، بلکه وقتی به پاکستان فرار نمود و در آنجا به مثابه عامل دهشت افگنی و کشتار "آی. اس. آی" دست به کار شد، تنها بین سالهای ۱۳۵۷ الی ۱۳۵۹، حدود ۱۰۰۰ تن از افغانهایی را که از مظالم و جنایات مزدوران روس و بعد ها روسها به پاکستان فرار نموده بودند، به قتل رسانید.

این که در جریان مقاومت ضد روسی، تقریباً در تمام جبهات نبرد مجاهدین و نیروهای جنبش آزادیبخش را از عقب خنجر زده و به هزاران تن را در آن سالها به کام مرگ فرستاد، امری نیست که بر کسی پوشیده مانده باشد. جنایات این نوکر امپریالیزم به سالهای مقاومت ضد روسی محدود نمانده، بعد از سقوط آخرین دست نشاندۀ روس داکتر "نجیب" در رقابت دیوانه وار با جناح دیگر اسلام سیاسی "مسعود- ربانی" که در هیچ مورد تمایزی با "گلبدین" نداشتند، جهت

غصب قدرت، با فیر راکت های کور و بی هدف به هزاران تن از باشندگان کابل را به قتل رسانیده، بخش هائی از شهر کابل را کاملاً به ویرانه مبدل نمود.

وقتی برای چنین فردی با چنین سابقه و عملکردی، به جای آن که به پاسخگویی کشانیده شده، جواب خونهای را که ریخته شده است بدهد، اداره مستعمراتی کابل به دستور ارباب، در پیش پایش فرش قرمز پهن نموده، از وی چنان اعزاز و اکرامی به عمل آورد، توگویی وی "گلبدین" قاتل خلق نه بلکه یکی از منجیان بشریت است، واضح است که برای عده ای حیثیت سرمشق و پیشوای شخصیتی را پیدا نموده، تمام آنهایی که از وجدان ذره ای در وجود شان باقی مانده، می خواهند "گلبدین" باشد.

خوانندگان نهایت عزیز!

شاید بسیاری از مردم خبر نداشته باشند که اداره مستعمراتی کابل به دستور ارباب، به این تجسم ننگ و نفرت، ماهانه در حدود ۱۸۰ هزار دالر امریکائی خرجی می دهد. به علاوه این پول، حدود ۹۰ تن از عساکری که زیر نام محافظان اشخاص برجسته از طرف استعمار پرورش یافته اند، نیز جهت حفاظت وی معاش می گیرند. از امتیازات دیگر حرفی به میان نمی آورم، زیرا هضم همین اندازه هم برای آنهایی که یک ماه جان می کنند مگر در آخر ماه ۱۵۰ الی ۲۰۰ دالر معاش می گیرند، کار ساده ای نیست.

قضیه "گلبدین" و باندش تنها به جنایات سابقه و مزدوری فی الحال آنها به امپریالیزم تمام نمی شود، افراد این باند که در دیده درائی و پرروئی هیچ کمبودی از "بیرک شید" نداشته و ندارند، با وجود تمام این تاریخچه ننگین و با وجود تسلیم شدن شخص "گلبدین" به امریکا و به مثابه یک مهره وابسته به امپریالیزم در جهت تعمیم سیاست های تفرقه افکنانه و خاینانه امپریالیستی، وقتی دهن باز می نمایند، به عالم و آدم بد و بیراه گفته، هر آنچه را خود مستحق آنند نثار دیگران می نمایند. چنانچه یک تن از جیره خواران بی آرم "گلبدین" در همین هفته قبل ضمن یک مطلب سراسر دروغ و بهتان علیه جنبش انقلابی افغانستان موضع گرفته، با پر روئی که فقط از "گلبدین" و افراد وابسته به وی می تواند سر بزند، جنبش چپ افغانستان و پیروان اندیشه "مائوتسه دون" را به نوکری امپریالیزم متهم نموده بود.

در سابق مردم کابل راجع به "تاجور" معروف می گفتند که وی گاهگاهی دیگران را به با گفتن "اخلاق خوب چیز است" به اخلاق و خوش رفتاری ترغیب می نمود، مگر امروز جای آن "تاجور" فروشنده خدمات جنسی را به صد ها "تاجوری" گرفته که به علاوه خدمت جنسی، میهن فروشی و جاسوسی هم می نمایند و با این که می بینند و می خوانند که "گلبدین" در ازای گرفتن معاش ماهوار حدود ۱۸۰ هزار دالر در ماه خود را به امپریالیزم جنایتگستر امریکا فروخته و در پناه حمایت امپریالیزم، در عقب دیواری از انسان و آهن از ترس خشم مردم کابل مخفی داشته است، باز هم دهن باز نموده "تاجورگونه" دیگران را متهم به نوکری امپریالیزم می نمایند.

و اما این که چرا چنین شده است و چرا افرادی از قماش جنایتکاران وابسته به "گلبدین" و سایر بخشهای اسلام سیاسی به خود جرأت می دهند تا علیه نیروهای انقلابی و جنبش چپ افغانستان که "نه سیری خورده و نه دهنش بوی می دهد" چنین گستاخانه یاره سرائی نمایند، در کنار ده ها دلیل خرد و بزرگ دیگر، یکی هم بسط و توسعه برخورد ارتجاعی منسوبین جنبش چپ در قبال چنین اشخاصی می باشد. هرگاه محافظه کاری و جنبی از طرف نیروهای انقلابی نشان داده نشود، و آحاد جنبش انقلابی با گردن افراشته، از مبارزات جانبازانه منسوبین جنبش به دفاع برخیزند، می توان مطمئن بود که دیگر افرادی از قماش سگهای وابسته به "گلبدین" بر آنها نخواهند تاخت.